



نقش و جایگاه ترکیه در روند صلح خاورمیانه با تاکید بر دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲

مهدی آقاعلیخانی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۹ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۶/۱۲)

چکیده

ترکیه از جمله مهمترین کشورهای منطقه خاورمیانه است. این کشور که به واسطه حضور هواداران آتاتورک در قدرت تا دهه ۹۰ میلادی، خاورمیانه را از اولویت اول سیاست خارجی خود خارج کرده بود، به دنبال تحولات منطقه‌ای و جهانی توجه خویش را به این منطقه معطوف کرد. ترکیه به عنوان اولین کشور مسلمانی که اسرائیل را به رسمیت شناخت و از جمله اولین کشورهایی که دولت در تبعید فلسطینی را شناسایی کرد توانست از روابط حسنه خود با اسرائیل استفاده و با توجه به بهبود رابطه با اعراب و مسلمانان به ایفای نقش موثر در روند صلح خاورمیانه بپردازد. تاثیر نظامیان در ساختار قدرت، نزدیکی با غرب و روابط نزدیک با اسرائیل در حوزه‌های مختلف به تداوم رابطه ترکیه با اسرائیل در دوره‌های مختلف کمک کرده است. تحولات جهانی به ویژه از سال ۲۰۰۰ و روی کار آمدن اسلام‌گرایان از حزب عدالت و توسعه موجب گردیده تا ترکیه استقلال بیشتری در سیاست خارجی خود داشته باشد و ضمن گرایش نسبت به احقاق حقوق فلسطینیان، اثر گذاری خود را بر منازعه فلسطینی-اسرائیلی افزایش دهد.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان، گروه علوم سیاسی، تاکستان، ایران.

کلید واژگان

ترکیه، روند صلح خاورمیانه، فلسطین، اسرائیل، میانجیگری، حزب عدالت و توسعه، سوریه، حماس.

مقدمه

تغییر و تحولات عمده در عرصه بین‌المللی موجب اتخاذ نقش‌هایی متفاوت از گذشته بازیگران منطقه‌ای و جهانی شده است. تلفیق این موضوع با تحولات داخلی برخی کشورها از جمله ترکیه به عنوان یکی از مهمترین کشورهای منطقه خاورمیانه به واسطه نوع روابط آن با کشورهای اسلامی، غرب و اسرائیل، ضرورت درک و شناخت مناسبات گذشته و جاری این کشور با منطقه خاورمیانه را یادآور می‌شود. به ویژه آنکه روند صلح خاورمیانه^۱ همچنان به عنوان یکی از موضوعات حساس و اثرگذار در مناسبات منطقه‌ای و جهانی بدل شده است. ترکیه در گذشته تلاش می‌کرد با پشت کردن به کشورهای اسلامی با غرب پیوند یابد و در ترتیبات مربوط با آن حضور یابد. اما امروزه ترکیه نه تنها نگاهی متفاوت و ویژه برای خاورمیانه و رابطه با کشورهای اسلامی قائل است، بلکه به میانجی^۲ و یکی از بازیگران عمده در روند صلح آن بدل شده است.

این پژوهش در پی آن است تا به این سوال اصلی پاسخ دهد که ترکیه چه موضعی را در قبال منازعه خاورمیانه اتخاذ کرده است و اهداف این کشور از ایفای نقش در روند صلح خاورمیانه چیست؟ در این راستا پاسخ به سؤال‌های فرعی دیگری نیز مورد نظر بوده است. از جمله: ضرورت‌های روابط ترکیه با اسرائیل چه مواردی بود؟ چرا ترکیه برخلاف آرمان‌های آتاتورک به بهبود روابط با کشورهای اسلامی پرداخت و این موضوع چه آثاری بر سیاست‌های این کشور در قبال منازعه تاریخی خاورمیانه داشته است؟ پایان جنگ سرد و آغاز روند صلح خاورمیانه چه تاثیری بر سیاست خارجی ترکیه داشت و رویکرد این کشور با توجه به این تحولات در دهه نود نسبت به رابطه با اسرائیل و فلسطین چگونه بوده است؟ عوامل داخلی و بین‌المللی موثر در گرایش ترکیه به کشورهای اسلامی و فلسطینیان در روند صلح چه مواردی بوده است؟ و در نهایت مواضع اسلام‌گرایان حاکم در ترکیه نسبت به رابطه با اسرائیل چه بود و

^۱ - Middle East Peace Process

^۲ - Mediator

چرا این روابط تداوم یافت؟ مواضع ترکیه در قبال حماس، جنگ لبنان و موضوع غزه چه پیامدهایی برای سیاست خارجی این کشور و روابط آن با کشورهای اسلامی از یک سو و اسرائیل از سوی دیگر داشت؟ فرضیه این پژوهش آن است که ترکیه در جستجوی ایفای نقش به عنوان یک بازیگر مهم و ارتقای قدرت خود، خاورمیانه را به عنوان مکانی مناسب برای تحقق این امر، در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده است. در این راستا ضمن تلاش برای ایفای نقش در روند صلح و ایجاد ثبات، در عین گرایش به فلسطینیان، از روابط راهبردی خود با اسرائیل محافظت کرده است. روش جمع آوری اطلاعات این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای و روش تحقیق نیز توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

۱. رویکرد ترکیه به خاورمیانه

خاورمیانه منطقه‌ای حساس و استراتژیک است. به واسطه ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه و تنوع گروه‌های فرهنگی و نژادی، نفت و ذخائر طبیعی فراوان، بازارهای گسترده، هم بر اهمیت این منطقه و هم بر تنش‌ها در آن به واسطه مداخله قدرت‌های بزرگ افزوده شده است و این خود موجب توجه ویژه کشورهای منطقه به رخدادهای آن و نیز رویکرد قدرت‌ها و بازیگران بین‌المللی به خاورمیانه است. با سقوط امپراتوری عثمانی، مصطفی کمال آتاتورک^۱ مصمم به نوسازی و غربی کردن ترکیه شد. براین اساس نوعی ملی‌گرایی جدید مبتنی بر قوم‌ترک‌ترویج گردید و خلافت یعنی رهبری مذهبی دنیای اسلام سنی لغو شد و این بار اهداف ترکیه به درون معطوف و تاکید بر پدید آوردن یک دولت ملی جدید شد. (۱) آتاتورک معتقد بود تمدنی که نسل جدید ترکیه باید آن را بسازد هم در شکل و هم در محتوا تمدن اروپایی بود بر این اساس باور داشت که «همه ملت‌های جهان ناگزیر از پذیرش الگوی اروپا و تمدن اروپایی‌اند تا بتوانند زندگی توأم با احترام و اعتبار داشته باشند.» (۲)

به هر میزان که ترکیه از زمان تاسیس در ۱۹۲۳ به غرب گرایش می‌یافت برای دهه‌ها خاورمیانه را نادیده می‌گرفت و آن را در اولویت اول سیاست خارجی خود قرار نمی‌داد. چرا که «بر اساس ایدئولوژی رسمی جمهوری، کمالیسم^۲ پشت کردن به جهان اسلام و تعقیب راه غرب» (۳) در دستور کار قرار

^۱ - Atatürk

^۲ - Kemalism

گرفته بود. به بیان دیگر «ترکیه چنان رفتاری از خود نشان می داد که گویا اصولاً منطقه‌ای به نام خاورمیانه وجود خارجی ندارد. خاورمیانه بیانگر وابستگی ناخوشایند این منطقه به ترکیه در ادوار گذشته بود و ترک ها و عرب ها با خصومت متقابل به یکدیگر نگاه می کردند. ترکیه تحت رهبری پیروان آتاتورک هیچ علاقه ای به داشتن رابطه با اعراب و اسلامگرایان نداشت.» (۴)

تحولات پس از جنگ جهانی دوم نیز موجب شد تا ترکیه در جهت تامین امنیت و پیگیری نوسازی خود پیش از گذشته به غرب گرایش یابد. آغاز جنگ سرد و تهدید شوروی فرصتی مناسب برای پیوند نزدیکتر ترکیه با غرب بود از این رو این کشور در سال ۱۹۵۲ به پیمان ناتو پیوست. و تنها پیمان منطقه‌ای مرتبط با خاورمیانه که ترکیه به عضویت آن در آمد پیمان بغداد در ۱۹۵۵ تحت نظارت غرب و در جهت مقابله با نفوذ شوروی بود. با پایان جنگ سرد و ایجاد شرایط نوین در خاورمیانه، و به واسطه فرصت‌ها و تهدیدات پیرامون ترکیه، رویکرد این کشور به خاورمیانه با تغییراتی همراه شد. هر چند تهدید شوروی از بین رفته بود اما مسائل پیرامون ترکیه، این کشور را برخلاف نقش انفعالی گذشته، به یک بازیگر فعال بدل ساخت. به ویژه آنکه با تحولات عمده بین‌المللی و منطقه‌ای و کاسته شدن از محدودیت‌های پیش روی ترکیه، تحرک دیپلماسی این کشور در خاورمیانه ضرورت یافت.

دو نقطه اوج توجه ترکیه به خاورمیانه به اواخر دوره تورگوت اوزال و نیز روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه^۱ مربوط می‌شود. در اولین مورد رییس جمهور ترکیه با توجه به نگاه این کشور در شراکت استراتژیک با آمریکا و نیز چشم‌انداز پیوستن ترکیه به جامعه اروپا به جنگ خلیج فارس به عنوان فرصت نگاه کرد و از تلاش‌ها برای عقب راندن عراق از کویت حمایت کرد و به آمریکا اجازه داد تا برای پرواز بر فراز عراق از پایگاه‌های ترکیه استفاده کند. در اواخر دوره تورگوت اوزال سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه دو اولویت داشت: ۱- حفظ فاصله از امور منطقه و ۲- تلاش برای ایجاد روابط برابر با تمام کشورهای مهم منطقه. (۵)

در دومین مورد نیز ترکیه با قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه نقشی فعال و اعتدالی در منطقه ایفا کرده است از جمله در: منازعه فلسطینی- اسرائیلی^۲، اعزام نیرو به ماموریت ناتو در افغانستان، مشارکت

^۱ - Justice and Development Party (AKP)

^۲ - Israel-Palestine conflict

در نیروهای اعزامی سازمان ملل به لبنان، ظهور به عنوان یک قدرت در سازمان کنفرانس اسلامی، شرکت در چندین کنفرانس اتحادیه عرب^۱، ایجاد روابط نزدیکتر با ایران، عراق و سوریه و همچنین بهبود و ارتقا روابط با بیشتر کشورهای عرب و مسلمان (۶) این رویکرد اعتدالی را می توان به وضوح در قبال بهار عربی نیز مشاهده کرد. ترکیه سعی دارد با استفاده از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ایجاد ساختارهای چندجانبه‌ای بپردازد که در نهایت به استحکام ثبات در منطقه و افزایش منافع این کشور منجر شود. در راستای همین اندیشه است که ترکیه در جهت ایجاد و حفظ ثبات و صلح در مناطق مختلف اقدام می کند. از جمله ابتکارات عمده این کشور ابتکار اوزال در ۱۹۹۰ تحت عنوان همکاری اقتصادی و سیاسی، مشارکت گسترده در سازمان اکو، شرکت در عملیات صلح در سومالی، بوسنی، آلبانی، گرجستان، کویت و پاکستان، ایجاد نیروی حافظ صلح بالکان در ۱۹۹۸ و در روند صلح خاورمیانه می‌باشد. (۷) ضمن آنکه درخصوص نمونه های اخیر می توان به میانجیگری در پرونده هسته ای ایران و نیز رویکرد متفاوت نسبت به بهار عربی اشاره کرد. عملکرد ترکیه، این کشور را به بازیگری مهم بدل ساخته است که علاوه بر اشتیاق دولتمردان ترکیه برای تداوم و افزایش این نقش، این موضوع با استقبال غالب کشورها چه در منطقه خاورمیانه و چه در غرب همراه شده است.

۲. روابط متقابل ترکیه با اسرائیل و فلسطین

الف. اسرائیل

ترکیه اولین کشور اسلامی بود که رژیم اسرائیل را به رسمیت شناخت و اندکی بعد روابط میان آنها در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی آغاز و تا پیوند نزدیک و استراتژیک نظامی ادامه یافت. دلایل بسیاری از جانب ترکیه و اسرائیل برای ایجاد و گسترش روابط متقابل وجود داشت. از جمله دلایل عمده رویکرد اسرائیل به ترکیه، استراتژی پیرامونی اسرائیل بود. بن‌گورین اعتقاد داشت تحکیم روابط اسرائیل با کشورهای غیر عرب پیرامون خود می‌تواند به تحمیل صلح مطلوب این کشور منجر شود. او در این باره گفته بود: «ما نمی‌توانیم همسایگان مان را مجبور کنیم به امضای قرارداد صلح با ما تن دهند، اما هیچ چیز بهتر از به دست آوردن دوست در کشورهای آسیا و آفریقا، نمی‌تواند کینه اعراب نسبت به ما را

^۱ - Arab League

کاهش دهد. (۸) از نظر اسرائیل تحکیم رابطه با این گونه کشورها نه تنها منافع گوناگون اسرائیل را تامین می‌کند بلکه نشاندهنده خروج آن کشور از انزوا در منطقه بود. از این رو نزدیکی اسرائیل با ترکیه راه عادی سازی روابط با مسلمانان بود و اسرائیل می‌توانست علاوه بر داشتن یک دوست قابل اعتماد در منطقه خاورمیانه، نشان دهد که اعراب هم می‌توانند دیدگاه خود را برای همزیستی با این کشور تغییر دهند. در ترکیه نیز کمالیست‌ها و نظامیان ترک نسبت به اسرائیل احساس نزدیکی می‌کردند. تهدید شوروی، نداشتن متحد مطمئن در خاورمیانه و بهره‌گیری از نفوذ لابی هوادار اسرائیل در آمریکا برای گسترش همکاری‌ها با ایالات متحده، تقویت نظامی خود و... به این نزدیکی کمک کرد.

ترکیه و اسرائیل دارای اشتراکاتی بودند که تحکیم روابط را سرعت می‌بخشید: هر دو غیر عرب و دارای دولت‌های سکولار و متحد آمریکا بودند؛ در دوران جنگ سرد نسبت به مواضع اعراب از جمله در همکاری با شوروی دارای نگرانی مشترک بودند؛ ترکیه دارای اختلافات عمده‌ای با سوریه بود و اسرائیل نیز با سوریه در دشمنی بود؛ هر دو بنیادگرایی اسلامی را دشمن خود قلمداد می‌کردند و هر دو کشور با آنچه که اقدامات تروریستی علیه خود می‌خواندند، مواجه بودند. سیاست‌های ایران در منطقه که از منظر ترکیه، رقیب و در نگاه اسرائیل، دشمن محسوب می‌شد، نقش سوریه و عراق، سیاست‌های کلان و منطقه‌ای ایالات متحده در دوران جنگ سرد، روابط نه‌چندان گرم ترکیه با ایران و اعراب، همکاری‌های وسیع نظامی اسرائیل و ترکیه و... موجب شد تا به رغم روابط پر فراز و نشیب ترکیه و اسرائیل، پیوند این دو کشور در نهایت به برقراری روابط راهبردی و استراتژیک منجر گردد.

به دنبال فروپاشی شوروی و کاهش اهمیت استراتژیک این دو کشور در نزد متحدان غربی نه تنها از پیوند میان آن دو کاسته نشد بلکه به واسطه تهدیدات مشترک و بی‌ثباتی در منطقه روابط میان آن‌ها گسترش یافت و ترکیه توانست در پس این رابطه به ارتقا قدرت نظامی خود مبادرت کند و قراردادهای مهم نظامی و امنیتی با اسرائیل منعقد کند. دهه ۹۰ اوج روابط دو کشور بود. امضای اعلامیه اصول از سوی رابین و عرفات در ۱۹۹۳ در توسعه روابط ترکیه با اسرائیل نقش مهمی داشت. سفر وزیر دفاع اسرائیل به آنکارا در ۱۹۹۳، سفر وزیر امور خارجه ترکیه به اسرائیل در ۱۹۹۳، انعقاد موافقت‌نامه

محرمانه امنیتی در مارس ۱۹۹۴^۱ دیدار تانسو چیللر نخست وزیر ترکیه از اسرائیل در ۱۹۹۴، سفر سلیمان دمیرل رییس جمهور ترکیه به اسرائیل در ۱۹۹۶، انعقاد قراردادهای نظامی میان دو کشور در ۱۹۹۶ از جمله مهمترین موضوعات در گسترش روابط ترکیه و اسرائیل به شمار می‌رود. بهبود روابط ترکیه و اسرائیل، نفوذ ترکیه را در آمریکا نیز افزایش داد و موجب همکاری گسترده فنی، نظامی و اقتصادی دو کشور شد.

با روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه این روابط ادامه یافت؛ چرا که از نگاه مقامات اسرائیل «اسلام میانه رو» زمامداران ترکیه وزنه‌ای در برابر «اسلام افراطی» است و این امر موجب شده تا حزب عدالت و توسعه نیز روابط گذشته را ادامه داده و البته موضعی میانه در این باره اتخاذ کنند. چرا که تغییرات نوین در منطقه خاورمیانه از جمله پایان دشمنی سوریه با ترکیه، سقوط صدام حسین، و اتخاذ سیاست‌های عمل‌گرایانه از جانب ایران، موجب کاهش وابستگی ترکیه به آمریکا شده و از گرمای مناسبات ترکیه با اسرائیل نیز اندکی کاسته شده است. (۹) ترکیه تحت رهبری اسلام‌گرایان به رغم اتخاذ مواضع انتقادی نسبت به اسرائیل به ویژه پس از حمله اسرائیل به کشتی امداد رسانی به غزه، همچنان روابط خود را با این کشور ادامه داده است.

ب. فلسطین

روابط ترکیه با اعراب و مسلمانان همچون رابطه با اسرائیل پر فراز و نشیب بوده است. هرچند ترکیه از زمان تاسیس به خاورمیانه و مسلمانان نگاه مثبتی نداشت اما منافع سیاسی و اقتصادی این کشور ایجاب می‌کرد تا ترکیه به بهبود روابط خود با اعراب اقدام کند و در ادامه به برقراری رابطه با فلسطینیان اقدام کند. علاوه بر درگذشت ناصر و بحران نفتی دهه ۷۰، از جمله مهم‌ترین دلایل ترکیه برای گسترش روابط با کشورهای عرب و اسلامی، کاستن از حمایت اعراب و کشورهای اسلامی از حکومت قبرس در مناقشه با ترکیه بود. این روابط با پیوستن ترکیه به سازمان کنفرانس اسلامی^۲ توسعه یافت. (۱۰) پیش از این رای منفی ترکیه به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در نوامبر ۱۹۴۷ در خصوص تقسیم خاک

^۱ - Security and Secrecy Agreement (SSA)

^۲ - Organization of The Islamic Conference

فلسطین، با استقبال اعراب روبرو شده بود اما شناسایی اسرائیل از سوی ترکیه به جدایی بیشتر میان آنان منجر شد. ترکیه در جریان منازعه اعراب و اسرائیل مواضعی متفاوتی را در قبال دو طرف اتخاذ کرد و تلاش کرد در روابط خود با اسرائیل و مسلمانان جانب اعتدال را رعایت کند. ترکیه در سال ۱۹۷۶ سازمان آزادیبخش فلسطین^۱ را به عنوان نماینده مشروع و قانونی مردم فلسطین رسمیت شناخت. در این دوران نزدیکی ترکیه به اعراب به واسطه بهره‌گیری از منافع اقتصادی و تعدیل مواضع آنها علیه ترکیه بود. روابط ترکیه و سازمان آزادی بخش فلسطین نیز چندان گرم نبود. چرا که آنکارا در دهه ۱۹۷۰ و اوائل دهه ۱۹۸۰ به ساف به واسطه آموزش گروه‌های کرد و ارمنی که آنها را تروریست می‌خواند، مظنون بود. ساف با یونان نیز دارای روابط نزدیکی بود و از مواضع این کشور در قیام حمایت می‌کرد. (۱۱) با اعلام تشکیل دولت مستقل فلسطینی از سوی مجلس ملی فلسطین در نوامبر ۱۹۸۸، ترکیه از اولین گروه‌های بود که دولت فلسطینی در تبعید را شناسایی کرد. پذیرش موجودیت اسرائیل از سوی ساف (اعلامیه اصول) این امکان را به ترکیه می‌داد تا روابط متقابل خود را با فلسطین و اسرائیل بدون فشار طرف مقابل به ویژه اعراب افزایش دهد به گونه‌ای که در جریان سفر تانسو چیلر و سلیمان دمیرل به اسرائیل، نخست وزیر و رییس جمهور وقت ترکیه از غزه و قلمرو حکومت فلسطین در بیت المقدس شرقی بازدید کردند. (۱۲) با روی کار آمدن اسلام‌گرایان در ترکیه روابط این کشور با اعراب و فلسطین گسترش یافت. عبدالله گل وزیر امور خارجه و معاون نخست وزیر ترکیه در می ۲۰۰۴ در پارلمان این کشور تصریح کرد: آنکارا قصد دارد همکاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را با فلسطینیان گسترش دهد و بر همین اساس نماینده ویژه‌ای به منظور بررسی این مساله به منطقه اعزام می‌کند. (۱۳) با تداوم پیروزی‌های حزب عدالت و توسعه در ترکیه و افزایش پشتیبانی افکار عمومی این کشور از مردم فلسطین به ویژه با توجه به وقایع رخ داده از سال ۲۰۰۰ تاکنون، دولت ترکیه اکنون بیش از هر زمان دیگر به فلسطینیان نزدیک شده است و در این راه روابط خود را با دیگر گروه‌ها و جریان‌های فلسطینی بهبود بخشیده است.

^۱ - Palestine Liberation Organization (PLO)

۳. مواضع ترکیه در خصوص منازعه فلسطینی - اسرائیلی تا دهه ۱۹۹۰

با کناره گیری انگلستان از مسائل خاورمیانه و ارجاع مساله فلسطین به مجمع عمومی، کمیته ویژه سازمان ملل موسوم به «آنسکاپ»^۱ در آوریل ۱۹۴۷ کار خود را آغاز کرد و براساس کار این کمیته، قطعنامه ۱۸۱ مجمع عمومی سازمان ملل مبنی بر تقسیم فلسطین صادر گشت و در آن بر ایجاد یک دولت اسرائیلی، یک دولت فلسطینی (عربی) و یک منطقه ویژه در بیت المقدس تاکید شد. (۱۴) ترکیه به این قطعنامه رای منفی داد. در سال ۱۹۴۸ ترکیه با رای مثبت به قطعنامه ۱۹۴ مجمع عمومی که مقدمات تشکیل کمیسیون سه نفره سازمان ملل تحت نام کمیسیون مصالحه را فراهم می آورد، عملاً تقسیم فلسطین را پذیرفت. ترکیه یک سال بعد با اشاره به گفتگوهای نمایندگان کشورهای عرب با اسرائیل و بیان این که اسرائیل به یک واقعیت تبدیل شده است، در ۲۸ مارس ۱۹۴۹ به عنوان اولین کشور مسلمان، اسرائیل را به رسمیت شناخت. در سال ۱۹۵۲ ترکیه به مبادله دیپلمات با اسرائیل پرداخت که این اقدام در جهت استحکام روابط با غرب و حاکی از روابط نه چندان حسنه اش با دولت های جدید عرب بود. (۱۵)

با تهاجم انگلستان، فرانسه و اسرائیل به مصر در اکتبر ۱۹۵۶، ترکیه سفیر خود را در تل آویو به آنکارا فراخواند. هر چند این اقدام ترکیه نه واکنشی به تجاوز سه دولت به مصر بلکه به واسطه عدم حل و فصل مساله فلسطین و پیامدهای آن در بی ثبات کردن امنیت خاورمیانه صورت گرفت. ترکیه هیچگاه صراحتاً تجاوز انگلستان، فرانسه و اسرائیل را به مصر محکوم نکرد. (۱۶) روابط حسنه ترکیه و اسرائیل تا سال ۱۹۶۷ ادامه یافت. اما جنگ شش روزه و رخداد های پس از آن، موجب سرد شدن روابط دوجانبه شد. به دنبال این جنگ اسرائیل شبه جزیره سینا، کرانه باختری رود اردن شامل بیت المقدس شرقی، بلندی های جولان و نوار غزه^۲ را اشغال کرد. ترکیه در جریان این جنگ بی طرف ماند و از همراهی با کشورهای عرب در «محکوم کردن» و «متجاوز خواندن» اسرائیل خودداری کرد اما در کنار آن دولت سلیمان دمیرل نخست وزیر ترکیه از قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ در خصوص عقب نشینی نیروهای اسرائیلی به مرزهای قبل از جنگ، حمایت کرد (۱۷) پیش از آن نیز وزیر امور خارجه

^۱ - UNSCOP

^۲ - Gaza Strip

ترکیه در سخنان خود در مجمع عمومی سازمان ملل خواهان خروج اسرائیل از اراضی اشغالی شده بود. سه سال پس از شناسایی سازمان آزادی بخش فلسطین از سوی ترکیه، دفتر ساف در دوره نخست وزیری بولنت اجویت در آنکارا و در سال ۱۹۷۹ آغاز به کار کرد. یک تحلیلگر سیاست خارجی ترکیه در این باره می‌نویسد: «ترکیه در جانبداری محدود خود از ساف محتاط عمل می‌کرد و در واقع هدف از برقراری رابطه با این سازمان ترجیح آن به دیگر گروه‌های مبارز و رادیکال فلسطینی بود که از سوی کشورهای دیگر حمایت می‌شدند» (۱۸) ترکیه سعی داشت در روابط خود با اعراب و اسرائیل جانب احتیاط را رعایت کند تا ضمن تامین حداکثر منافع خود، آثار نامطلوب این رابطه متقابل را در رابطه دو جانبه با هریک از طرف‌های درگیر کاهش دهد. در جولای ۱۹۸۰ پارلمان اسرائیل طرح الحاق قدس را تصویب کرد. براساس این تصمیم که قانون قدس نامیده شد، قدس یکپارچه، پایتخت اسرائیل اعلام شد که این موضوع به سردی مجدد روابط دو کشور منجر شد. (۱۹) و ترکیه قویا از اقدام اسرائیل در الحاق بیت المقدس شرقی انتقاد کرد.

در مجموع از زمان آغاز روابط ترکیه و اسرائیل تا دهه ۱۹۹۰ می‌توان تحولات عمده ای را شناسایی کرد. در آغاز به واسطه رویکرد کلی سیاست خارجی ترکیه این کشور خیلی زود به تقویت روابط خود با اسرائیل پرداخت اما در ادامه سعی کرد ضمن تحکیم رابطه با اسرائیل، به بهبود روابط خود با مسلمانان بپردازد. نارضایتی کشورهای عرب از مواضع ترکیه در منطقه، منافع اقتصادی و بحران نفتی خاورمیانه از جمله دلایلی بود که ترکیه را به بهبود روابط با اعراب ترغیب و به گرایش نسبت به حقوق فلسطینی‌ها سوق داد. از این زمان ترکیه سعی کرد در منازعه خاورمیانه به گونه ای عمل کند که حساسیت اعراب و اسرائیل را برنیاگزیزد و در مقابل پیوندهای سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را با اسرائیل مستحکم‌تر کند.

۴. ترکیه و روند صلح خاورمیانه در دهه ۱۹۹۰

دهه ۹۰ نقطه عطفی در سیاست خارجی ترکیه در قبال منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. تحولات این دهه در کنار آغاز روند صلح خاورمیانه، عمده محدودیت‌های پیش روی این کشور برای نقش آفرینی در خاورمیانه را برطرف و لزوم اتخاذ یک دیپلماسی فعال در منطقه را موجب شد. از این زمان ترکیه تلاش می‌کند تا در ترتیبات منطقه‌ای ایفای نقش کند و نقش یک داور منطقه‌ای را در

راستای تامین منافع امنیتی، سیاسی و اقتصادی خود عهده دار شود. با حمله عراق به کویت، ترکیه به حمایت از ائتلاف بین‌المللی پرداخت و اقدامات ترکیه محیطی ایجاد کرد تا سیاستمداران ترکیه به دنبال نقش بزرگتری برای خود در دستیابی به نظم با ثبات در منطقه باشند. با پایان جنگ سرد ترکیه در ادامه اتخاذ یک رویکرد فعال در سیاست خارجی خود، ابتکاراتی در مدیریت منازعات در مناطق مرزی خود داشت. (۲۰) به دنبال برگزاری کنفرانس صلح مادرید در اکتبر ۱۹۹۱ ترکیه به حمایت از آن پرداخت. در همین سال اوزال پیشنهاد کرد ترکیه میزبان گفتگوهای اعراب و اسرائیل باشد و موضع ترکیه در قبال روند صلح را نیز با درخواست از اسرائیل برای پذیرش «اصل زمین در برابر صلح» اعلام کرد. در دسامبر ۱۹۹۱ ترکیه به طور همزمان روابط خود با اسرائیل و فلسطین (ساف) را به سطح سفارت ارتقا داد. با امضای قراردادهای اسلو^۱ و ۲ در سپتامبر ۱۹۹۳ و ۱۹۹۵، ترکیه ضمن اعلام حمایت از اعلامیه اصول^۲ و با توجه به شناسایی اسرائیل از سوی سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)، فارغ از هرگونه محدودیت، وزیر امور خارجه خود را در ماه نوامبر روانه اسرائیل کرد. تحولات رخ داده به سرعت ترکیه و اسرائیل را به سمت تحکیم روابط دو جانبه سوق می داد. در دوره نخست وزیری چیلر وی سیاست ترکیه در قبال روند صلح را حمایت این کشور از قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت سازمان ملل و یک راه حل برای تامین حقوق مردم فلسطین از جمله حق ایجاد دولت فلسطینی اعلام کرد. (۲۱) او معتقد بود: «حمایت فعال ترکیه از ادامه فرآیند صلح بین اعراب و اسرائیل بی نهایت مهم است. ترکیه نه تنها یکی از معدود کشورهای طرفدار امنیت و دموکراسی در منطقه است، بلکه از روابط حسنه با هر دو طرف، یعنی جهان عرب و اسرائیل استقبال می کند. (۲۲) یاسر عرفات رییس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز در سال ۱۹۹۵ به دعوت ترکیه برای دیداری رسمی به این کشور رفت و با رد حمایت از حزب کارگران کردستان ترکیه^۳ به تحکیم رابطه با ترکیه پرداخت.

با روی کار آمدن نجم الدین اربکان از حزب اسلام گرای رفاه در ژوئن ۱۹۹۶، خللی در روابط ترکیه با اسرائیل ایجاد نشد. اربکان سیاست‌های مثبتی را نسبت به کشورهای مسلمان اتخاذ کرد و حتی حزب

^۱ - Oslo Accords

^۲ - Declaration of Principles

^۳ - Kurdistan Workers' Party

او نمایندگان حزب الله لبنان و حماس را به کنگره خود دعوت کرد. به رغم رویکرد اسلام گرایانه اربکان، به واسطه حضور فعال نظامیان در عرصه سیاست و فشار آنها، روابط ترکیه با اسرائیل به ویژه در حوزه نظامی همچنان گسترش می‌یافت و موافقت نامه نظامی مهم فوریه ۱۹۹۶ میان دو کشور امضا شد و با اصرار نظامیان موافقت نامه های دیگری در خصوص بازسازی صنایع نظامی ترکیه با اسرائیل امضا گشت. شورای امنیت ملی ترکیه^۱ مسوول تنظیم سیاست امنیتی کشور و اتخاذ تصمیمات مهم است که تحت ریاست رییس جمهور با حضور نخست وزیر، رییس ستاد مشترک ارتش، وزیران دفاع و امور خارجه و فرماندهان نیروی زمینی، هوایی و دریایی ارتش و ژاندارمری تشکیل جلسه می دهد. نظامیان ترکیه که نیمی از اعضای شورای امنیت ملی ترکیه را تشکیل می دهند نفوذ بیشتری حتی نسبت به رهبران سیاسی داشتند. و در ۴ موقعیت از زمان تاسیس ترکیه در جایجایی سیاستمداران نقش داشتند. از جمله براندازی سه نخست وزیر از ۱۹۶۰ و طراحی یک کودتای نرم در ۱۹۹۷ علیه حزب اسلام گرای رفاه که منجر به کناره گیری اربکان از قدرت شد. نظامیان ترکیه خود را در مقام نگهبانان کشور می دیدند (۲۳) از این رو در برابر سیاست های اسلام گرایان در داخل نگران و نسبت به رابطه با اسرائیل حساس بودند.

در مجموع در خصوص مواضع و سیاست های ترکیه در این دهه می توان گفت تحولات منطقه ای و بین المللی دهه ۹۰، ضمن فراهم کردن محیط مناسب برای فعال شدن ترکیه در منطقه خاورمیانه، به اوج روابط میان ترکیه و اسرائیل منجر شد. مذاکرات صلح محدودیت های پیش روی ترکیه برای نزدیکی بیشتر به طرفین را برداشت و ترکیه در ادامه تلاش ها برای ایفای نقش فعال در منطقه ضمن ارتقا روابط با فلسطینیان سعی کرد تا ضمن حفظ موازنه در روابط با طرف های منازعه، خود را به عنوان یک میانجی در روند صلح مطرح کند.

۵. اقدامات ترکیه در روند صلح خاورمیانه از سال ۲۰۰۰

سال ۲۰۰۰ با انتفاضه دوم^۲ مردم فلسطین همراه بود. ترکیه در اکتبر ۲۰۰۰ در سازمان ملل به

^۱ - Turkish National Security Council (NSC)

^۲ - Second Intifada

قطعنامه محکومیت اسرائیل در استفاده بیش از اندازه از زور علیه فلسطینیان رای داد. در این زمان دمیرل برای مشارکت در کمیسیون میچل که برای یافتن یک راه حل برای منازعه تشکیل شده بود، اقدام کرد. و پس از آن در اوائل سال ۲۰۰۲ آمریکا ترکیه را به عنوان محلی برای گفتگوهای صلح میان اسرائیل و فلسطینیان پیشنهاد داد. (۲۴) وقایع رخ داده در جریان انتفاضه دوم موجب شد تا ترکیه واکنشی تند نسبت به اقدامات اسرائیل ابراز کند. اعتراضات مردمی در ترکیه و انزجار جهانی از عملکرد اسرائیل موجب حمایت مقامات این کشور از مردم فلسطین و تشکیل دولت مستقل فلسطینی شد. به دنبال عملیات نظامی اسرائیل در آوریل ۲۰۰۲ در اردوگاه جنین، بولنت اجویت آخرین نخست وزیر سکولار ترکیه، آنرا «نسل کشی»^۱ نامید. (۲۵)

با به قدرت رسیدن اسلام گرایان در ترکیه بیش از هر زمان بر توجه این کشور به خاورمیانه افزوده شد. دلایل متعدد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی این مساله را ضرورت می بخشد. ترکیه که در دهه ۹۰ برخلاف دوران پیش از آن روابط با ثبات و مستحکمی با اسرائیل برقرار کرده بود، در این دوران به روابط پر فراز و نشیب گذشته بازگشت و علاوه بر میانجیگری^۲ در روند صلح میان اعراب و اسرائیل گاه در خط مقدم انتقاد از اسرائیل قرار گرفته است. رفع بیشتر محدودیت های پیش روی ترکیه نه تنها این کشور را به بازیگری فعال بدل ساخت بلکه زمینه استقلال عمل بیشتر ترکیه از غرب و متحدان خود را در قبال منازعه فلسطینی-اسرائیلی فراهم کرد. روی کار آمدن اسلام گرایان در ترکیه، دموکراتیزه شدن جامعه ترکیه و انعکاس دیدگاه های افکار عمومی، کاهش قدرت نظامیان، عدم اجازه ترکیه به آمریکا برای استفاده از پایگاه های خود در حمله به عراق، تضعیف رویکرد ترکیه به اروپا به دنبال مانع تراشی ها بر سر عضویت در اتحادیه، منافع اقتصادی افزون تر ناشی از روابط حسنه با کشورهای عرب منطقه و ایران همگی به اتخاذ استقلال عمل بیشتر در سیاست خارجی ترکیه منجر شد.

دموکراتیزه شدن جامعه ترکیه از جمله عوامل گرایش این کشور به مسلمانان بود. پیش از این دولت ترکیه تاثیر افکار عمومی بر سیاست خارجی را نادید می گرفت اما از این زمان افکار عمومی به جزیی مهم در انتخاب های سیاست خارجی بدل گردید. پیش از روی کار آمدن اسلام گرایان نظرسنجی

^۱ - Genocide

^۲ - Mediation

ها در ترکیه حاکی از گرایش ۷۱٪ مردم به فلسطینیان و استقبال از ایفای نقش فعال ترکیه به سود مردم فلسطین بود. همچنین نظرسنجی مشابهی در سال ۲۰۰۰ حکایت از تمایل مردم ترکیه به کنترل بیت المقدس توسط فلسطینیان و تنها ۲٪ توسط اسرائیل بود. در دوران حکومت اسلام گرایان نیز نظرسنجی ها دلالت بر پشتیبانی افکار عمومی از سیاست‌های اردوغان در قبال اسرائیل داشت. (۲۶) چرا که انعکاس رسانه ای اقدامات اسرائیل علیه فلسطینیان در تهاجم به لبنان، حمله به غزه و یا نمونه اخیر آن یورش اسرائیل به کشتی حامل کمک های امدادی به غزه، واکنش های تند را در مردم ترکیه به همراه داشته است. منافع اقتصادی ترکیه نیز در گرایش به مسلمانان بی تاثیر نبود. تجارت سالانه ترکیه با کشورهای عربی و ایران بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار است در حالی که میزان تجارت سالانه این کشور با اسرائیل حدود ۳ میلیارد دلار می باشد. (۲۷)

اسلام گرایان ترکیه در آغاز حکومت از یک سو با رنج فلسطینیان مواجه شدند و از سوی دیگر نمی خواستند در تقابل با اسرائیل در داخل و خارج از جمله رابطه با آمریکا، برای خود ایجاد مشکل کنند. به همین دلیل به رغم اتخاذ مواضع انتقادی علیه اقدامات اسرائیل، ترکیه همچنان به رابطه با اسرائیل متعهد است و از میانجیگری به عنوان ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های خود در خاورمیانه بهره می گیرد. ارطغرل آپاکان، سفیر ترکیه در سازمان ملل، در سخنرانی خود در دفتر دانشگاه سازمان ملل^۱ در نیویورک در اکتبر ۲۰۰۹ در این باره گفته است مسیر اصلی سیاست خارجی فعلی ترکیه نشان دهنده اهمیت خاورمیانه است. ترکیه بهبود روابط با کشورهای عرب و ایران را در عین حفاظت از روابط با متحدان از جمله اسرائیل و سایر بازیگران در یک بازی دقیق از تعادل دنبال می کند. او بر اساس محاسبات طراحان استراتژی جدید سیاست خارجی ترکیه از فرصت ایجاد شده برای ترکیه برای میانجیگری در منازعه خاورمیانه، بالکان، آسیای مرکزی و در رابطه با برخی کشورهای خاورمیانه و غرب خبر داد. (۲۸)

۶. ترکیه میانجی روند صلح

ترکیه در دوران جدید تلاش می کند به عنوان یک میانجی برای ثبات و صلح در منطقه شناخته

^۱ - United Nations University Office

شده و عمل کند. آن چه که فرصت عملی کردن این ایده را برای ترکیه فراهم کرده، رابطه حسنه ترکیه با طرفین منازعه است. نقشی که با حمایت غرب و آمریکا نیز همراه شده است. ترکیه در جستجوی ثبات در خاورمیانه علاوه بر تلاش برای مطرح کردن خود به عنوان یک قدرت، منافع خود را نیز در نظر می‌گیرد. هر گونه تشدید اختلاف در منطقه و بروز تنش و در نتیجه بر هم خوردن ثبات، موجب به خطر افتادن منافع ترکیه خواهد شد. تجربه دیپلماسی ترکیه در دوره حکومت اسلام‌گرایان و پیش از آن، این اعتماد نفس را به آنها داده است که می‌توانند در منطقه و همسایگی ترکیه برای دستیابی به صلح و جلوگیری از بروز هر تنش اقدام کنند. امروز ترکیه علاوه بر خاورمیانه در جستجوی راه حل برای تنش‌ها در مناطق اورآسیا، آفریقا و بالکان است. در خاورمیانه مقامات ترک سعی می‌کنند منازعات را از طریق اقدامات اعتمادسازی با تثبیت موقعیت ترکیه به عنوان یک میانجی حل و فصل کنند. از میانجیگری میان اعراب و اسرائیل تا میانجیگری میان سوریه و لبنان با اسرائیل. از میانجیگری میان فلسطین و اسرائیل تا میانجیگری میان گروه‌های رقیب در درون فلسطینیان. در خصوص منازعه خاورمیانه ترکیه اعتقاد دارد بحران موجود میان فلسطین و اسرائیل بحران اعتماد است و ترکیه قصد دارد از اعتماد دو طرف به خود برای اعتماد سازی میان طرفین استفاده کند. چرا که ترکیه اولین کشور مسلمانی بود که اسرائیل را به رسمیت شناخت و از جمله اولین کشورهایی بود که دولت در تبعید فلسطین را شناسایی کرد. (۲۹)

۷. ترکیه و سوریه

ترکیه و سوریه در گذشته دارای مشکلات عمیقی بودند که آنها را تا مرز درگیری نظامی کشانده بود. اختلافات سوریه و ترکیه بر سر الحاق هاتای به ترکیه، جریان آب فرات، همکاری‌های ترکیه با اسرائیل، حمایت سوریه از حزب کارگران کردستان از جمله موضوعات تنش‌زا در روابط فیما بین بود. در سال ۱۹۸۲ تورگوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه برای کاهش اختلافات و امضای یک موافقت‌نامه به سوریه رفت و مخالفت دو کشور با عراق در جریان جنگ خلیج فارس به نزدیکی بیشتر آنها کمک کرد. میانجیگری مصر میان ترکیه و سوریه در خصوص ممنوع کردن فعالیت‌های حزب کارگران کردستان در سوریه قدری دیگر از تنش‌ها کاست اما در مجموع اختلافات دیرینه موجب شده بود تا کمالیست‌های

ترکیه در پی روابط گرم با سوریه نباشند و حتی در تصمیم خود برای اتحاد با اسرائیل در اواسط دهه ۱۹۹۰ نگاهی به تضعیف سوریه داشتند. (۳۰) ترکیه در این زمان در عین علاقه به صلح میان اسرائیل و فلسطینیان نگران بود که صلح میان اسرائیل و سوریه موجب به خطر افتادن منافع ترکیه شود. چرا که بازدارندگی در قبال سوریه، از محورهای اصلی روابط اسرائیل و ترکیه بود. و صلح بین اسرائیل و سوریه وضعیت موجود را که در آن سوریه ضعیف و منزوی و آنکارا از امنیت نسبی برخوردار است، بر هم می زد. ترکیه نگران بود که سوریه در جریان صلح با اسرائیل صرفاً به دلیل احتمالی برداشتن حمایت از گروه‌های ضد اسرائیلی و بدون اقدام مشابه در مورد گروه‌های تروریستی ضد ترکیه، از فهرست کشورهای حامی تروریسم آمریکا خارج شود. (۳۱) یکی از واکنش‌های تندترکیه به گفتگوها میان اسرائیل و سوریه در جریان بازدید یک مقام ترک از اسرائیل در ژانویه ۱۹۹۶ ابراز شد. او با استفاده از تعبیری بسیار توهین آمیز در قبال سوری‌ها از مقامات اسرائیل سوال کرد چطور شما می‌توانید با آنها گفتگو کنید؟ این مقام ترک در ادامه از اسرائیلی‌ها رسماً درخواست کرد تا گفتگوها با سوریه را متوقف کنند. (۳۲)

برداشته شدن حمایت سوریه از گروه حزب کارگران کردستان و دستگیری عبدالله اوجالان، ضعف نظامی سوریه، فشارهای بین‌المللی بر سوریه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر از جمله در بحث محور شرارت و نیز خروج از خاک لبنان و... از یک سو و تنش زدایی ترکیه با همسایگان برای رفع موانع پیوستن به اتحادیه اروپا، تحکیم رابطه با اعراب و عادی سازی رابطه با سوریه در چارچوب نگاه جدید ترکیه به منطقه خاورمیانه و بهره‌گیری از منافع اقتصادی آن و تغییر در ساختار سیاسی ترکیه و روی کار آمدن اسلام‌گرایان از جمله موضوعاتی بود که به تنش زدایی و بهبود رابطه میان ترکیه و سوریه کمک کرد. اسلام‌گرایان ترکیه نقش مهمی در گذر از تنش‌ها با سوریه و ایجاد روابط حسنه با این کشور داشتند. به گونه‌ای که در سخت‌ترین شرایط از جمله قرار گرفتن سوریه در «محور شرارت» از سوی بوش رییس‌جمهور آمریکا و فشار غرب برای قطع رابطه با سوریه پس از ترور رفیق حریری، رجب طیب اردوغان به سوریه سفر کرد و پس از سفر بشار اسد در ژانویه ۲۰۰۵ به ترکیه روابط دو کشور استحکام بیشتری به خود گرفت. (۳۳)

بهبود روابط دو کشور موجب شد تا ترکیه که پیش از این نگران صلح میان اسرائیل و سوریه بود به

میانجی صلح میان آن دو تبدیل شود. در ژانویه ۲۰۰۵ عبدالله گل وزیر امور خارجه وقت ترکیه برای بهبود بخشیدن به روابط با اسرائیل به این کشور رفت و همچنین اعلام کرد حامل پیام حسن نیت سوریه، دشمن دیرینه اسرائیل است. از سال ۲۰۰۸ ترکیه میزبان گفتگوهای غیرمستقیم میان دمشق و تل آویو برای تدارک مقدمات مذاکرات صلح گردید. ترکیه در ادامه نقش جدید خود به عنوان یک تسهیل گر صلح در خاورمیانه برای ایجاد ثبات در منطقه که در تامین منافع ترکیه و نیز تثبیت موقعیت اسلام گرایان در این کشور ضرورت دارد، اقدام می کند و از این طریق متحدان غربی خود را نسبت به اهمیت جایگاه ترکیه در منطقه آگاه کرده است. به گونه ای که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در این رابطه می گوید: ترکیه و ایالات متحده تعهد مشترکی برای برقراری صلح در خاورمیانه دارند. من آنچه را که ترکیه برای برقراری یک مسیر ارتباطی بین سوریه - اسرائیل انجام داد، تحسین می کنم. ما به رهبری ترکیه برای کمک به ایالات متحده در پیشبرد طرح صلح جامعی که شامل راه حل دو کشور باشد، نیاز داریم. (۳۴)

۸. مواضع اسلام گرایان در خصوص منازعه فلسطینی-اسرائیلی

سیاست خارجی ترکیه در قبال منازعه خاورمیانه در دوران حاکمیت اسلام گرایان از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. از تداوم رابطه با اسرائیل و ارتقا روابط با اعراب و فلسطینیان گرفته تا ایجاد رابطه با حماس که منجر به خشم اسرائیل و لابی‌های حامی‌اش در واشنگتن شد. و همچنین ادامه میانجیگری میان اسرائیل و فلسطینیان. با مطرح شدن طرح خاورمیانه بزرگ از سوی آمریکا و با توجه به نقش مهمی که ترکیه می‌توانست در آن ایفا کند، نخست وزیر ترکیه ضمن حمایت از این طرح به منازعه خاورمیانه اشاره می‌کند و در مقاله‌ای اینگونه می‌نویسد: باید بدانیم اگر به موضوع فلسطین پرداخته نشود، هیچ طرح منطقه‌ای نمی‌تواند موفق شود هرچند این را نباید اینگونه تفسیر کرد که اصلاحات به نزاع اعراب-اسرائیل بستگی دارد. (۳۵)

از اولین موضع گیری‌های تند ترکیه نسبت به اسرائیل می‌توان به عملیات اسرائیل علیه فلسطینیان به ویژه اردوگاه رفح و ترور شیخ احمد یاسین رهبر حماس در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد. نخست وزیر ترکیه در این باره گفت فعالیت‌های تروریستی و خونبار انجام اقدامات مشابه را به دنبال خواهد داشت. رجب

طیب اردوغان با انتقاد شدید از ترور شیخ احمد یاسین و حملات سنگین اسرائیل به اردوگاه آوارگان رفح^۱ آن را «تروریسم دولتی»^۲ نامید. (۳۶) اردوغان ضمن انتقاد شدید از شارون گفته بود اقدامات نخست وزیر اسرائیل تلاش‌های ترکیه برای کمک به تامین صلح در منطقه را بی نتیجه گذاشته است. این دو واقعه موجب سردی روابط میان دو کشور شد. عبدالله گل که در این زمان معاونت نخست وزیر و وزارت خارجه ترکیه را بر عهده داشت در پارلمان این کشور ضمن انتقاد از عملیات نظامی اسرائیل در غزه از گسترش همکاری‌ها با فلسطینیان خبر داد و در عین حال وزارت خارجه ترکیه تعلیق روابط نظامی و اقتصادی ترکیه با اسرائیل را تکذیب کرد و تاکید کرد روابط دو کشور در راستای منافع دو طرف و کمک به صلح منطقه‌ای ادامه می‌یابد.

سفر اردوغان در ماه می ۲۰۰۵ به اسرائیل و ادامه همکاری‌های نظامی، تسلیحاتی و اطلاعاتی دو کشور نشان داد که اسلام‌گرایان ترکیه در تداوم سیاست تاریخی ترکیه در برخورد با اسرائیل عملگرایانه پیش رفته و از موضع گیری‌های ایدئولوژیک خودداری کردند. (۳۷) اردوغان در این زمان تلاش کرد از ابزار اقتصادی برای حمایت و کمک به فلسطینیان برای ورود بیشتر به منازعه استفاده کند. از جمله نشانه‌های توجه ترکیه به مساله فلسطین، ایجاد دفتر همکاری اقتصادی و اجتماعی با مسوولیت یکی از وزرای سابق و ایجاد شعبه آژانس توسعه و همکاری ترکیه^۳ در کرانه غربی بود.

۹. ترکیه و به قدرت رسیدن حماس

روی کار آمدن حماس پس از پیروزی در انتخابات فلسطین موجب شد تا ترکیه نسبت به برقراری رابطه با حماس اقدام کند. این موضوع با خشم اسرائیل به دلیل عدم شناسایی اسرائیل از سوی حماس همراه شد. در این دوران ترکیه در نزدیکی به فلسطینیان جانب اعتدال را رعایت کرد. به همین خاطر ضمن انتقاد از عملیات‌های نظامیان رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان به محکوم کردن حملات متقابل علیه اسرائیلی‌ها پرداخت. موضع ترکیه در برقراری رابطه با حکومت مشروع فلسطینی با انتقاد

¹ - Rafah Refugee Camp

² - State Terror

³ - Turkish International Cooperation and Development Agency

غرب و اسرائیل همراه شد. وزیر امور خارجه ترکیه اعلام کرد همه طرف ها باید به نتایج انتخابات دموکراتیک احترام بگذارند و تضعیف مقامات جدید فلسطین برخلاف اصول دموکراسی است. سیاستگزاران ترکیه می دانستند حماس برای خروج از محاصره سیاسی و اقتصادی به دنبال متحدانی در منطقه می باشد و اگر ترکیه وارد عمل نشود حماس بیش از پیش به ایران، سوریه و حزب الله گرایش می یابد از این رو پس از حضور مقامات حماس در تهران، وزیر امور خارجه ترکیه نیز از خالد مشعل رهبر سیاسی در تبعید حماس به ترکیه دعوت کرد. (۳۸)

عبدالله گل در واکنش به انتقادات پیرامون این اقدام گفت ترکیه به حماس توصیه کرده است که ضمن خلع سلاح، رویکرد میانه تری اتخاذ کند و وارد مذاکرات دیپلماتیک با اسرائیل شود. در کنار آن ترکیه تلاش کرد تا با تاثیرگذاری بر اروپاییان موجب از سرگیری کمک های اقتصادی به فلسطینیان شود. اختلافات میان حماس و فتح نیز موجب شد تا ترکیه سیاست فعالی را برای پایان دادن به درگیری ها میان آنها دنبال کند. روابط حسنه ترکیه با حماس تا حدی بود که محمود عباس در جریان دیدار با اردوغان از این رابطه ابراز نگرانی کرد. این موضع با پیشنهاد مجدد نخست وزیر ترکیه برای میانجیگری میان فتح و حماس همراه شد که تاکید می کرد مبارزه قدرت میان گروه های رقیب فلسطینی باید پایان یابد. (۳۹)

۱۰. ترکیه و جنگ سی و سه روزه لبنان

در جریان جنگ سی و سه روزه اختلافاتی میان نظامیان و کمالیست ها با سیاستمداران ترکیه به وجود آمد. به ویژه آن که پس از نشست سران ناتو در استانبول تعاملات امنیتی این سازمان با اسرائیل افزایش یافته بود. اردوغان در حالی در کنفرانس سازمان اسلامی در کوالالامپور اسرائیل را برای جنایات ارتكابی در لبنان محکوم و این جنگ را «ناعادلانه» دانست که دولت ترکیه از متحدان اسرائیل، واشنگتن و ناتو بود. (۴۰) نخست وزیر ترکیه بسیار زود در قبال این جنگ موضع گیری کرد. او به تماس با همسایگان خود و متحدان آمریکایی، اروپایی و اسرائیلی پرداخت تا راه حلی برای پایان جنگ بیابد. اردوغان همچنین تحولات لبنان و فلسطین را موجب تجدید نظر کشورش در مشارکت در طرح خاورمیانه بزرگ دانست و با غیر منصفانه دانستن اقدامات اسرائیل گفت تعدادی از قدرت های بزرگ از این اقدامات

حمایت می کنند و تعدادی دیگر به تماشای رویدادها نشسته‌اند. او بر لزوم برقراری آتش بس و جلوگیری از زمینه سازی جنگ تمدن ها تأکید کرد و اظهار داشت: فرزندان اسرائیل هر چقدر که ارزش داشته باشند، به همان اندازه فرزندان فلسطین برای ما ارزش دارند. (۴۱)

با پایان جنگ سی و سه روزه، ترکیه برای اعزام نیروی صلحبان به لبنان به صورت مشروط اعلام آمادگی کرد. از جمله اعزام نیروهای حافظ صلح با تصمیم سازمان ملل، به وجود نیامدن تلقی حمایت نیروهای حافظ صلح از یکی از طرف های درگیر و نسپردن وظیفه خلع سلاح حزب الله به این نیروها. (۴۲) با تصویب پارلمان ترکیه برای اعزام نیروهای حافظ صلح به لبنان و در حالی که نخست وزیر ترکیه تأکید کرد «آنکارا نمی تواند در حاشیه بنشیند و ترکیه نیروهای خود را برای ایفای وظیفه ای بشردوستانه و تاریخی اعزام می کند»، کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل نیز از تصمیم ترکیه استقبال و گفت ترکیه از بازیگران منطقه است و همه طرف های درگیر از تصمیم این کشور راضی هستند. (۴۳) ترکیه قصد داشت در پی جنگ سی و سه روزه علاوه بر بهره گیری از کانال های سیاسی و دیپلماتیک از نظر نظامی نیز در حل بحران ایفای نقش کند از این رو تلاش کرد تا به ایجاد آتش بس کمک کند و پس از آن نیز در ثبات و تضمین آتش بس مشارکت داشته باشد. اقدامات ترکیه پس از آتش بس نیز به کاهش تنش این کشور با آمریکا و همبستگی بیشترش با کشورهای مهم عربی کمک کرد. ترکیه همچنین در جهت تحرک بخشیدن به روند صلح و حل و فصل بحران داخلی در لبنان به مذاکره با مقامات عربستان پرداخت. سفر پادشاه عربستان به این کشور در سال ۲۰۰۶ مهم و بی سابقه بود و به هماهنگی در مواضع مشترک طرفین و ایجاد اعتماد اعراب به ترکیه موثر بود. ترکیه با حمایت از همکاری عربستان و سوریه برای گذر از بحران حکومتی لبنان، تلاش کرد از ایجاد بحرانی جدید بواسطه عدم اعتماد میان عربستان و حزب الله جلوگیری کند.

۱۱. کنفرانس آنابولیس و نقش ترکیه

بحران های رخ داده در منطقه خاورمیانه و تشدید منازعه فلسطینیان و اسرائیل منجر به توقف مذاکرات صلح گردید. در این راستا آمریکا تلاش کرد تا در چارچوب کنفرانس آنابولیس^۱ در اواخر نوامبر ۲۰۰۷ به احیای مذاکرات صلح خاورمیانه بپردازد. پیش از آغاز کنفرانس ترکیه از شیمون پرز و محمود

^۱ - Annapolis Conference

عباس رییس دولت فلسطین برای دیدار و مذاکره در آنکارا دعوت کرد. در جریان این سفر و در ۱۳ نوامبر این دو شخصیت به سخنرانی در مجلس ملی ترکیه پرداختند. سایت وزارت امور خارجه ترکیه از این سخنرانی‌ها به عنوان یک موضوع مهم تاریخی یاد نمود؛ چرا که اولین سخنرانی یک مقام اسرائیلی در مجلس یک کشور اسلامی همزمان با اولین سخنرانی رییس دولت فلسطینی در مجلس ترکیه بود. (۴۴) این برنامه ریزی ترکیه در ادامه ایجاد موازنه در روابط متقابل با دو طرف و زمینه سازی برای دستیابی به صلح بود. رییس جمهور اسرائیل پیش از این سفر ضمن استقبال از نقش ترکیه در روند صلح خاورمیانه، اسلام میانه رو مقامات ترکیه را در تحولات خاورمیانه سازنده و در مقابل آنچه که او اسلام افراطی خوانده بود قرار داد. موضوعات این دیدارها علاوه بر ایران مسائلی بود که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر روند صلح و سیاست‌های ترکیه تاثیر می گذاشت. از جمله آغاز فرآیند صلح، مذاکرات اسرائیل و سوریه و نسل کشی دانسته شدن کشتار ارامنه در ۱۹۱۵ در کمیته ای از مجلس نمایندگان آمریکا. موضوعی که هم ترکیه از ابزار اسرائیل برای مهار آن استفاده می کند و هم اسرائیل از آن به عنوان وسیله ای برای تعدیل مواضع ترکیه علیه خود.

با آغاز کنفرانس آنابولیس نیز وزیر امور خارجه ترکیه به دعوت آمریکا در آن حاضر شد و ضمن حمایت از کنفرانس آنرا فرصتی برای صلح دانست و آمادگی ترکیه برای کمک و مشارکت در فرآیند پس از کنفرانس را اعلام کرد. براساس طرح آمریکا قرار بود اسرائیل و فلسطین تا پایان سال ۲۰۰۸ به یک صلح جامع دست پیدا کنند. یک ماه پس از کنفرانس آنابولیس اجلاس بین المللی برای دولت فلسطینی^۱ در پاریس برگزار شد و شرکت کنندگان کمک هایی را برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی اختصاص دادند. در این کنفرانس وزیر امور خارجه ترکیه شرکت و ۱۵۰ میلیون دلار کمک ترکیه به فلسطینیان را اهدا کرد. این کمک هم در راستای مشارکت در تحقق اهداف کنفرانس آنابولیس و نیز در ادامه کمک های اقتصادی ترکیه به فلسطین بود. مانند ابتکار سال ۲۰۰۵ ترکیه در مشارکت با تجار ترک، اسرائیلی و فلسطینی برای ایجاد منطقه صنعتی در کرانه غربی. چرا که «ترکیه اعتقاد داشت پیشبرد قدم ها در حوزه سیاسی از طریق حوزه های اقتصادی میسر است. بنابراین اهمیت زیادی را برای ایجاد زیربنای اقتصادی دولت آینده فلسطین قائل بود». (۴۵) هر چند مذاکرات پرز و عباس در آنکارا و

¹ - Conference for the Palestinian State

مشارکت ترکیه در کنفرانس آنابولیس و پاریس برای صلح خاورمیانه دستاورد ملموسی نداشت اما ترکیه نشان داد تحت زمامداری اسلام گرایان، می تواند از روابط حسنه خود با طرفین برای کاهش بحران ها استفاده کند و در عین حال به توسعه نقش خود در روند صلح از جمله در حوزه های اقتصادی ادامه دهد.

۱۲. ترکیه و جنگ غزه

با تهاجم اسرائیل به غزه رجب طیب اردوغان نخست وزیر ترکیه به شدت اسرائیل را سرزنش کرد. او حمله به غزه که تنها چهار روز پس از دیدار ایهود اولمرت از آنکارا آغاز شده بود را اقدامی اهانت آمیز نسبت به ترکیه دانست. اردوغان ضمن تعلیق گفتگوهای غیر مستقیم میان اسرائیل و سوریه، دیپلماسی رفت و برگشت را برای دیدار و مذاکره با مقامات کشورهای مهم عربی آغاز کرد. (۴۶) و در سفر ژانویه خود به بروکسل خواهان جلوگیری از اقدامات اسرائیل شد. نخست وزیر ترکیه مردم فلسطین و غزه را برادران ترکیه خواند و خواهان پایان محاصره و تحریم شد. او در عربستان گفت که حماس در آتش بس باقی مانده بود اما اسرائیل تحریم ها را برطرف نکرد و به نظر می رسد مردم غزه در زندان زندگی می کنند و البته تمام فلسطین در زندان باز زندگی می کند. او سوال کرد چرا حساسیت سازمان ملل، آمریکا و اروپا برای گرجستان در نوار غزه نشان داده نشد؟

جنگ غزه پس از خاتمه توافقنامه میان اسرائیل و حماس و متحدانش شروع شد که بر اساس آن توافقنامه حماس و اسرائیل متعهد شده بودند تا علیه یکدیگر اقدام نظامی انجام ندهند. از این روترکیه تلاش کرد حماس را به آتش بس موقت برگرداند. در این راستا نماینده اردوغان دو بار با خالد مشعل رهبر سیاسی حماس دیدار و با توجه به اینکه دومین دیدار بنا به درخواست رییس جمهور فرانسه برای کمک ترکیه انجام شده بود، ترکیه به میانجی حماس و دیگر بازیگران بین المللی بدل شد. بعدها در می ۲۰۱۰ رییس جمهور ترکیه در کنفرانس خبری همراه با همتای روسی خود تاکید کرد حماس نباید از روند صلح خاورمیانه حذف شود. عبدالله گل با اشاره به مذاکرات غیرمستقیم اسرائیل و فلسطین گفت صلح بدون مشارکت حماس محقق نمی شود. او تاکید کرد متاسفانه فلسطینیان به دو گروه تقسیم شده اند آنها باید متحد شوند و در مذاکرات هر دو طرف باید در نظر گرفته شوند چرا که با جدا کردن آنان نمی توان به صلح دست یافت. (۴۷) ترکیه همچنین سعی کرد تا به واسطه عضویت غیر دائم در شورای امنیت

سازمان ملل برای طرح قطعنامه آتش بس به مذاکره با اعراب بپردازد. در این رابطه نخست وزیر ترکیه گفت ما می‌توانیم مطالبات حماس برای آتش بس توسط شورای امنیت را برآورده کنیم چرا که حماس اعتماد خود را به حکومت فلسطین و مصر از دست داده است در حالی که به ترکیه اعتماد کامل دارد. (۴۸) ترکیه همچنین با مشارکت در اجلاس کنفرانس اسلامی به محکومیت تجاوز اسرائیل به غزه پرداخت.

ترکیه در مواجهه با وضعیت غزه دو طرح ارائه کرد. در مرحله اول و میانجیگری که به آتش بس با نظارت نیروهای حافظ صلح شامل نیروهای اتحادیه عرب و ترکیه منجر شود و در مرحله بعد تلاش برای دستیابی به یک مصالحه میان گروه‌های رقیب فلسطینی تا سیاست‌های فلسطینیان برای تعهد به صلح یکپارچه و تثبیت شود. (۴۹) دولت مصر نیز در اوائل ژانویه ۲۰۰۹ طرحی برای آتش بس میان اسرائیل و حماس در غزه ارائه کرد که در این طرح برای ترکیه نقشی پیش بینی شده بود تا نیروهای آن کشور همراه با فرانسه گذرگاه‌های رفح و کرم شالوم را کنترل کنند. (۵۰)

انتقادات ترکیه به دیدارهای نخست وزیر این کشور در کشورهای عربی ختم نشد و در مجمع اقتصاد جهانی در داووس سوییس درگیری لفظی تندی میان نخست وزیر و رییس جمهور اسرائیل در گرفت. اردوغان با انتقاد از خشونت نامتعارف اسرائیل غزه را به زندانی با آسمان باز تشبیه کرد و کنفرانس را ترک کرد. او که در این کنفرانس از بربریت و کشتار کودکان توسط اسرائیل سخن گفته بود بعدا گفت منظور او از این سخنان شخص شیمون پرز یا مردم اسرائیل نبوده است. نخست وزیر ترکیه انتقادات تند خود از اقدامات اسرائیل را علیه یهودیان ندانست و ضدیت با یهودیت را جنایت علیه بشریت خواند. در واقع او تلاش کرد ضمن ملامت اسرائیل، توازن رابطه را نیز حفظ کند. اردوغان در میان استقبال مردم کشورش و تمجید جوامع اسلامی به ترکیه بازگشت. نخست وزیر ترکیه توانسته بود از همدردی مردم ترکیه با آلام فلسطینیان در پیشبرد مواضع کشورش استفاده کند و ترکیه سکولار - و شریک اسرائیل - را در جهان اسلام به عنوان یک کشور پیشتاز در دفاع از مردم فلسطین معرفی کند. اینگونه بود یک عرب در دیلی استار لبنان نوشت: «در بحران غزه کشورهای عرب اقدام قاطعی نکردند. آنها به جای آنکه در کنار هم علیه کشوری که اعراب را به قتل می‌رساند بایستند، به ملامت حماس پرداختند. اما اردوغان به عربستان، مصر، اردن و سوریه رفت، میانجیگری گفتگوی اسرائیل و سوریه را پایان داد و خطاب به وزرای دفاع و خارجه اسرائیل گفت تاریخ آنها را متهم به لکه دار کردن انسانیت می‌کند و چه

دلیلی این ددمنشی‌ها را توجیه می‌کند؟ این نویسنده با اشاره به نقش ترکیه و نخست وزیر این کشور نتیجه گرفت: بحران غزه قهرمانانی داشت که از جهان عرب کسی در آن نبود. (۵۱)

از دیگر پیامدهای بحران غزه اقدام ترکیه در حذف اسرائیل از مانور عقاب آناتولی^۱ بود. ترکیه علت این امر را نگرانی از استفاده اسرائیل از جنگنده‌هایی دانست که در جنگ غزه این منطقه را بمباران کرده بودند. این موضع ترکیه در بعد نظامی، اقدامی بی سابقه از زمان گسترش مناسبات نظامی و امنیتی با اسرائیل در دهه ۹۰ محسوب می‌شد که حاکی از اعتراض عملی ترکیه در مواجهه با عملکرد اسرائیل در جریان سه هفته جنگ در غزه بود. (۵۲) بحران غزه و پیامدهای آن به سردی هر چه بیشتر در روابط ترکیه و اسرائیل منجر شد. لابی‌های حامی اسرائیل در واشنگتن نیز در قبال مواضع اخیر ترکیه سکوت نکردند و دیگر چون گذشته مشتاق به حمایت از ترکیه در قبال قطعنامه محکومیت نسل‌کشی ارامنه نیستند. در آخرین نمونه حمله نظامیان اسرائیل به کشتی حامل کمک‌های امدادی برای مردم غزه و کشته شدن شهروندان ترکیه‌ای به کاهش مناسبات طرفین منجر شد. وزارت امور خارجه ترکیه در این باره خاطر نشان کرد که این حمله در آبهای بین‌المللی صورت گرفته و نقض فاحش قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود. و ممکن است به پی‌آمدهای غیر قابل جبران در روابط دو کشور منجر شود. در میان اعتراض‌های گسترده در ترکیه، در اقصی نقاط جهان نیز معترضان با پرچم‌های ترکیه به اقدام اسرائیل اعتراض کردند و ترکیه سفیر خود در اسرائیل را فراخواند. عبدالله گل رئیس‌جمهور ترکیه حمله اسرائیل به کشتی‌های حامل کمک‌های انسانی به غزه را «تروریسم دولتی» توصیف کرد و با هشدار به اسرائیل گفت: امیدوارم همه متوجه رفتار خود باشند. در غیر این صورت اشتباهات انجام گرفته تاوان سنگینی به دنبال خواهد آورد. (۵۳)

نخست وزیر ترکیه نیز در این رابطه با بیان اینکه سرنوشت بیت المقدس به سرنوشت استانبول و سرنوشت غزه به سرنوشت آنکارا گره خورده است، گفت: «ترکیه حتی اگر تنها بماند، هیچ وقت از حمایت‌های خود از ملت فلسطین و حقوق آنها دست برنخواهد داشت. اردوغان در عین حال که از جدی بودن در کاهش روابط با اسرائیل در پایین‌ترین سطح سخن گفت، تاکید کرد قطع فوری تمامی مناسبات در دستور کار ترکیه نیست. ترکیه چند شرط از جمله پرداخت غرامت به قربانیان و عذرخواهی اسرائیل را

^۱ - Anatolian Eagle

برای عادی سازی روابط اعلام کرد. به رغم مخالفت جدی اسرائیل با این شروط ، اهمیت ترکیه برای اسرائیل و تحولات اخیر منطقه موجب گردیده تا اسرائیل همچون نمونه های گذشته در مسیر پذیرش خواسته های ترکیه قرار گیرد. هرچند که پیامد این حادثه تضعیف اعتماد میان طرفین و سوق یافتن بیش از پیش ترکیه به جانب کشورهای اسلامی و حمایت از فلسطینیان بود.

۱۳. ابزارهای ترکیه در پیشبرد سیاست‌های خود

هدف ترکیه از مشارکت در روند صلح خاورمیانه علاوه بر زمینه های تاریخی و فرهنگی گذشته، و اهمیت ثبات منطقه در تامین منافع این کشور، تاکید بر نقش و جایگاه ممتاز خود به همه طرف های درگیر در خاورمیانه است. نقشی که با استقبال آمریکا و اروپا مواجه شده است. اسلام گرایان ترکیه سعی نکرده اند که در سیاست خارجی خود در مواجهه با اقدامات اسرائیل، روابط دو جانبه را به خطر بیندازند. همچنانکه اسرائیل نیز به دلایل متعدد حاضر به خطر انداختن روابط با ترکیه نیست. از این رو در پس بحران های مختلف مانند داووس، رییس جمهور اسرائیل از نخست وزیر ترکیه و در برخورد نامناسب با سفیر ترکیه، مقام وزارت خارجه اسرائیل در ضرب الاجل تعیین شده، از ترکیه عذرخواهی کرد. البته ترکیه نیز در زمان تشدید اختلافات مواضع خود را در ضدیت با یهودیت و مردم اسرائیل ندانسته و یا سخن از قطع روابط در جهان امروز را قابل طرح نمی داند. ترکیه سعی کرده است در روند صلح از ابزار های متعددی استفاده کند.

اولین ابزار ترکیه بهره گیری از افکار عمومی است. افکار عمومی داخلی و علی الخصوص منطقه ای علاوه بر ایجاد زمینه مناسب برای ایفای نقش ترکیه ، به تسهیل در پیشبرد سیاست های این کشور کمک شایانی کرده است. افزایش محبوبیت ترکیه و حاکمان آن در پس وقایعی چون داووس ، حمله به کشتی امدادی غزه و یا بهار عرب نه تنها مهیا کننده شرایط برای ایفای نقش بیشتر ترکیه بوده است بلکه در مواردی چون حمله به کشتی امدادی غزه، در نهایت این ترکیه بود که شکستن حصر غزه را به یک مطالبه جهانی بدل کرد.

دومین ابزار ترکیه دیپلماسی است. با توجه به برخورداری این کشور از روابط حسنه با کشورهای منطقه و قدرت های خارجی، ترکیه توانسته در روند صلح و یا سایر بحران های منطقه ای به ایفای نقش

اساسی پردازد به ویژه آنکه دستگاه دیپلماسی این کشور میانجیگری را به عنوان یکی از ابزار مهم ترکیه در حل و فصل مناقشات می داند و امروز ترکیه نه تنها میانجی طرف‌های مختلف درگیر در روند صلح می‌باشد، بلکه خود را به عنوان میانجی غرب و ایران در پرونده هسته‌ای مطرح کرده است و در بهار عربی به ویژه بحران‌های لیبی و سوریه نیز از این ابزار بهره گرفته است.

سومین ابزار ترکیه ابزار اقتصادی است. ترکیه تلاش می کند تا از طریق مذاکره با طرفین و ایجاد سازش، زمینه شکست حصر فلسطینیان و کمک‌های اقتصادی به آنها را فراهم کند. ترکیه خود کمک‌هایی را در جریان ابتکارات برای کمک مالی به تشکیل دولت فلسطینی و یا ایجاد مناطق صنعتی در اراضی فلسطینیان انجام داده است و این کمک‌ها و فعالیت‌ها در حوزه اقتصادی را زمینه ساز موفقیت در عرصه سیاسی می داند.

چهارمین ابزار ترکیه استفاده از نیروهای خود برای حفظ صلح و جداسازی نیروهای درگیر است. نظیر اعزام نیروی حافظ صلح به لبنان و پیشنهاد حضور نیروهایش در غزه پس از تهاجمات اسرائیل. ترکیه پیش از این در بحران‌های دیگر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به این ابزار توسل جسته بود. چهارمین ابزار تاکید بر اصلاحات و دموکراسی در خاورمیانه است. ترکیه (با حمایت غرب) خود را به عنوان یک الگو برای کشورهای اسلامی منطقه مطرح می کند. البته ترکیه برخی اقدامات خود در روند صلح مانند ارتباط با حماس را که با انتقادات غرب و اسرائیل همراه شده با استناد به اصول دموکراسی توجیه می کند. هرچند ترکیه در این راه منافع خود را نیز مدنظر داشت چرا که انزوای حماس، این گروه را به جانب رقبای ترکیه در منطقه سوق می داد.

نتیجه گیری

چالش‌های پیش رو و منافع متقابل، ترکیه و اسرائیل را به سرعت به هم نزدیک کرد. بر اساس رویکرد واقع گرایانه، احساس ناامنی دو کشور از محیط پیرامون خود ضرورت ایجاد یک اتحاد با هدف تقویت خود در برابر دشمنان و رقبای مشترک را ضرورت می بخشد. چرا که دو دولت احساس می کردند بدون قبول برخی تعهدات نسبت به یکدیگر و نیز سایر متحدان (ستو، ناتو، آمریکا) قادر به مقابله با تهدیدات خارجی و دفاع از منافع ملی و تحقق اهداف سیاست خارجی خود نخواهند بود. هر چند

تحولات بعدی ترکیه را ناگزیر کرد برای حفظ منافع خود به بهبود روابط با اعراب و مسلمانان بپردازد. با آغاز روند صلح خاورمیانه در دهه ۹۰ ترکیه تلاش کرد مناسبات با اعراب را در راستای تخفیف تنش ها در پیشبرد سیاست‌های خود توسعه ببخشد و در عین حال به تحکیم روابط اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی با اسرائیل اقدام کند. در واقع چالش‌های جدید پیش روی ترکیه و نگاه رئالیستی زمامداران آن موجب شد تا این کشور در راه تقویت اتحاد خودی با اسرائیل و تضعیف رقبای همکار به ویژه در ابعاد نظامی و اطلاعاتی را در دستور کار قرار دهد. ترکیه منافع ملی خود را بر اساس قدرت تعریف می‌کرد چرا که اگر توان کافی نداشت، تامین منافعش با مشکلاتی جدی مواجه می‌گشت.

در زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه نیز اسلام‌گرایان تلاش کردند ضمن توسعه روابط با جهان اسلام، به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی کشور ترکیه یعنی رابطه متوازن با اعراب و اسرائیل پایبند باشند. اسلام‌گرایان ترکیه با درک واقعیات منطقه‌ای و جهانی و با نگاه به منافع ملی کشور خویش و در جهت ارتقای قدرت این کشور، تلاش کردند ترکیه را به بازیگری مهم در خاورمیانه و روند صلح آن تبدیل کنند. تا جایی که فلسطینیان، سوریه، اعراب، اروپا، آمریکا، سازمان ملل و حتی اسرائیل از ایفای نقش ترکیه در این روند استقبال کردند. در این دوران، زمامداران ترکیه مبتنی بر نگاهی واقع‌گرایانه، چون دوره پیش از خود و با عنایت به موقعیت مکانی ترکیه که بر توانایی‌های ملی و سمت‌گیری‌های سیاست خارجی آن کشور اثر می‌گذاشت، ضمن توجه بیشتر به خاورمیانه، استقلال عمل بیشتری در سیاست خارجی خود در مواجهه با غرب و آمریکا - در عین همکاری - نشان دادند. از سوی دیگر بهانه‌جویی‌های اروپا در مسیر پیوستن ترکیه به اتحادیه ضمن حفظ تمایل این کشور برای تداوم تلاش‌ها، نگاه ترکیه را به مناطق دیگر جلب کرد. در واقع برداشت ترکیه این بود که نقش آفرینی این کشور در خاورمیانه بیش از هر نقطه دیگر، به نمایش قدرت این کشور منجر می‌شود. از این رو در پیشبرد این سیاست و با توجه به رخداد‌های سالیان اخیر، سیاست ترکیه از همکاری کامل با ناتو و غرب محوری به جانب خاورمیانه و آسیای میانه و حتی بهبود رابطه با مسکو گرایش یافت.

اسلام‌گرایان ترکیه دست به ابتکارات عمده‌ای در عرصه‌های منطقه‌ای و جهانی زده‌اند. آنان تحقق منافع ملی را در به حداقل رساندن منازعات منطقه‌ای از طریق تعدیل منافع متعارض به وسیله ابزار دیپلماسی که از جمله اصول مورد توجه واقع‌گرایان است، می‌دانستند. از این رو با درک اینکه

ثبات در منطقه به بهترین نحو منافع ترکیه را تامین می کند در پی ایجاد ثبات بر آمدند و در میانجیگری روند صلح نیز علاوه بر میانجیگری میان فلسطینیان و اسرائیل، سوریه و اسرائیل و میان گروه‌های رقیب فلسطینی، به ایجاد اعتماد میان عربستان و حزب الله لبنان پرداختند. ایجاد صلح نه تنها در پیشبرد سیاست‌های ترکیه موثر است بلکه اگر از طریق ایفای نقش این کشور تحقق یابد، خود به یکی از ابزار افزایش قدرت و اعتبار ترکیه در منطقه و جهان و تامین منافع آن منجر می‌شود.

در مجموع مواضع ترکیه در روند صلح خاورمیانه حمایت از اصل «زمین در برابر صلح»^۱، نقشه راه^۲ و ابتکار صلح اعراب است. ترکیه از قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸، ۱۳۹۷ و ۱۵۱۵ شورای امنیت سازمان ملل حمایت می کند. با شهرک سازی در اراضی اشغالی مخالفت می کند. بازپس دادن جولان را زمینه ساز صلح سوریه و اسرائیل می داند. و راه حل عادلانه و پایدار در پایان منازعه تاریخی خاورمیانه را ایجاد دو دولت در کنار مرزهای امن و شناخته شده می داند. به رغم آنکه ترکیه از بسیاری از اقدامات خود برای ایجاد صلح در منطقه نتیجه نگرفته است اما آنچه که به دست آورده معرفی خود به عنوان یک بازیگر مهم، معتبر و اثر گذار و همچنین یک میانجی خیرخواه در منطقه و بهره گیری از این ایفای نقش در تامین حداکثر منافع ملی خود بوده است.

ترکیه در زمان تاسیس، رهبری جهان اسلام سنی را رها کرد اما اینک به واسطه عملکرد زمامداران اسلام گرای خود و با برخورداری از حمایت داخلی و کسب اقبال مسلمانان، به تثبیت نقش منطقه ای خود، معرفی مدل سیاسی خویش به عنوان الگویی برای سایر کشورها و در نهایت ایجاد زمینه برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی خود اقدام می کند و به رغم انکار حکامش، سودای رهبری جهان اسلام را در سر می پروراند که انتخاب نماینده ترکیه به عنوان دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی نشان دهنده تمایل به این نقش خواهد بود. هرچند اعراب تمایلی ندارند رهبری جهان اسلام را از دایره خود خارج کنند اما از سیاست‌ها و نقش ترکیه در منطقه به ویژه منازعه آن حمایت کرده‌اند. نخست وزیر کشور سکولار ترکیه جایزه ملک فیصل یا نوبل جهان عرب را به واسطه «خدماتش» به «جهان اسلام» و «مساله فلسطین» در عربستان دریافت کرده است. این اقدامات اعراب را می‌توان از یک سو به تمایل

¹ - Principle of Land for Peace

² - Road Map

آنها به عدم چالش مستقیم با غرب و اسرائیل و از سوی دیگر در تضعیف نقش ایران در منطقه خاورمیانه و روند صلح ارزیابی کرد. آمریکا و اروپا نیز این نقش احتمالی ترکیه استقبال خواهند کرد. ترکیه ای که با ساختار سکولار، اسلامی میانه رو را به نمایش گذاشته و هم پیمان غرب محسوب می شود، می تواند به برقراری ارتباط نزدیک تر آنها با مسلمانان کمک کند و قابل پیش بینی خواهد بود حتی در صورت پایان حکومت اسلام گرایان، زمامداران آتی ترکیه نسبت به نقش عنصر اسلام در سیاست خارجی بی توجه نباشند. از سوی دیگر تحولات اخیر در کشورهای عربی به ویژه در مصر می تواند این کشور را در جبهه ترکیه معتدل قرار دهد و وقایع سوریه نیز با توجه به تعامل متقابل ترکیه با اسد و مخالفانش، چالشی برای ایفای نقش آینده ترکیه نخواهد بود.

به رغم سردی روابط ترکیه و اسرائیل در سال های اخیر و کاهش مناسبات میان این دو کشور، به دلیل همپیمانی ترکیه با غرب، نفوذ ارتش در ساختار قدرت ترکیه و تعاملات استراتژیک ترکیه و اسرائیل در سطوح فرمانطقه ای و منافع کلان این دو کشور و نیز تاثیر آن بر روابط مهم ترکیه با آمریکا و اروپا، پایان کامل مناسبات دو کشور بسیار دور از ذهن به نظر می رسد. و هر چند که تغییرات مهمی در سیاست خارجی ترکیه شکل گرفته و ترکیه اقدامات عملی تر در مواجهه با اسرائیل از خود نشان داده است اما این مواضع ترکیه مصادف به شکسته شدن سکوت بسیاری از کشورها در قبال جنایات اسرائیل می باشد. با این حال ترکیه همچنان به عنوان یکی از کشورهای مطرح است که با کشورهای درگیر در منازعه دارای روابط رسمی و نزدیک است و این موضوع در کنار اهداف دیگر زمامداران ترکیه موجب تداوم ایفای نقش ترکیه در روند صلح خواهد شد.

منابع

- ۱- گراهام فولر، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر (تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۷)، ص ۲۲۷.
- ۲- حسین موسوی و محمد نورالدین، *ترکیه جمهوری سرگردان، بررسی روابط دینداران و سکولارها در جامعه ترکیه* (تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۳)، ص ۳۱.
- 3- Ömer Taspınar, Turkey's Middle East policies Between Neo-Ottomanism and Kemalism, *Carnegie Papers*, Number 10, 2008, P.1, at:
http://www.carnegieendowment.org/files/cmec10_taspınar_final.pdf.
- ۴- گراهام فولر، «الگوی راهبردی ترکیه؛ افسانه یا واقعیت»، ترجمه داود حیدری، *همشهری دیپلماتیک*، ۱۳۸۳، شماره ۲۸، ص ۱۱.
- 5- Heinz Keramer, *A Changing Turkey: The Challenge to Europe and the United States* (Washington D.C: Brookings Institution Press, 2000), P.118.
- 6- Taspınar, *Op. Cit.*, P.1.
- ۷- حمیدرضا ملک محمدی، *ترکیه و اسرائیل دو ستون جدید منطقه‌ای* (تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵)، صص ۱۷۵-۱۷۳.
- ۸- محمد تقی تقی پور، *استراتژی پیرامونی اسرائیل* (تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳)، صص ۲۸۴-۲۸۳.
- ۹- فولر، *پیشین*، «الگوی راهبردی ترکیه؛ افسانه یا واقعیت»، ص ۱۱.
- 10- Kemal Kirisci, «The End of the Cold War and Changes in Turkish Foreign Policy Behavior», *Foreign Policy (Ankara)*, Vol. XVIII, No. 3-4, 1993, P.7.

11- Gregory A.Burris, « Turkey-Israel: Speed Bumps », *Middle East Quarterly*,

Vol. X, Number 4, 2003.

12- William Hale, *Turkish Foreign Policy 1774-2000* (London: Frank Cass Publishers, 2000), P.297.

۱۳- «تحولات سیاسی و امنیتی اسرائیل»، *بولتن ویژه* (تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳)، شماره ۸۳/۱۰۴/۴۳، ص ۱۰۱.

۱۴- مهدی آقا علیخانی، «نقش سازمان ملل در روند صلح خاورمیانه: مقایسه دیدگاه آمریکا و اروپا نسبت به آن»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱، ۱۳۸۸، ص ۸۹.

15- «Turkey and the Middle East: Ambitions and Constraints», *Crisis Group*

Europe Report, No.203, 2010, P.2, at:

[http://www.crisisgroup.org/~media/Files/europe/turkeycyprus/turkey/203%20Turkey%20and%20the%20Middle%20East%20%20Ambitions%20and%20Co
nstraints.ashx](http://www.crisisgroup.org/~media/Files/europe/turkeycyprus/turkey/203%20Turkey%20and%20the%20Middle%20East%20%20Ambitions%20and%20Constraints.ashx).

۱۶- موسوی و نورالدین، *پیشین*، صص ۲۶۸-۲۶۷.

17- Hale, *Op. Cit.*, P.170.

18- *Ibid*, P.171.

19- Rsis Group Europe Report, *Op. Cit.*, P.171.

20- Isci, *Op. Cit.*, P.7.

21- Hale, *Op. Cit.*, PP.297-301.

۲۲- سیامک کاکایی، «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد»، *فصلنامه مطالعات*

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی / شماره شانزدهم / پاییز ۱۳۹۰ ◇ ۵۷

◆ نقش و جایگاه ترکیه در روند صلح خاورمیانه: با تاکید بر دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲

خاورمیانه، سال چهارم، شماره ۴، ۱۳۷۶، ص ۷۸.

23- David L. Phillips, (2004), «Turkey's Dreams of Accession», *Foreign Affairs*, Vol. 83, No 5, 2004, PP.87-88.

24- Ofra Bengio, *The Turkish-Israeli Relationship: Changing Ties of Middle Eastern Outsiders* (Palgrave Macmillan, 2004), P.100.

25- Crisis Group Europe Report, *Op. Cit.*, P.3.

26- Bülent Aras, Turkey and the Palestinian Question, *SETA*, Brief No. 27, 2009, at:

http://www.setadc.org/pdfs/Policy_Brief_No_27_Bulent_Aras_Turkey_and_the_Palestinian_Question.pdf.

27-Fadi Hakura, «Turkey and Israel: a Deepening Chill», *Guardian*, 2010/1/1.

28-«Conflict and International Mediation: A Turkish Perspective», *Ertugrul Apakan*, Event Report, 2009/10/21, at: <http://www.ony.unu.edu>.

29-Middle East Peace Process, *Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs*, at: <http://www.mfa.gov.tr/middle-east-peace-process.en.mfa>.

۳۰-محمود واعظی، *سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه*، (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷)، پژوهش ۱۹، صص ۷۹-۷۲.

۳۱-آلن ماکوفسکی، «اسرائیل - ترکیه: رابطه راهبردی یا ائتلاف موقتی»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۲۸، ۱۳۸۳، ص ۱۰.

32- Bengio, *Op. Cit.*, P.80.

۳۳- محمود واعظی، «تجربه جدید در ترکیه؛ تقابل گفتمان ها»، *راهبرد*، شماره ۴۷، ۱۳۸۷، ص ۶۷

34- David McKeeby, Analysis: Obama Adds Turkey to Upcoming European Tour, *U.S. Embassy in Brussels*, 2009/3/11, at:

<http://www.uspolicy.be/headline/analysis-obama-adds-turkeyupcoming-european-tour>.

۳۵- رجب طیب اردوغان، «ترکیه و خاورمیانه بزرگ»، ترجمه وحیدرضا نعیمی، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۲۸، ۱۳۸۳، ص ۳.

36- Aras, *Op. Cit.*, P.4.

۳۷- واعظی، *سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه*، ص ۴۳.

38- Aras, *Op. Cit.*, P. 6.

39- Khaled Abu Toameh, «Turkey's support of Hamas Worries PA», *The Jerusalem Post*, 2010/8/6, at:

<http://www.jpost.com/MiddleEast/Article.aspx?id=177779>.

40-Michel Chossudovsky, «Triple Alliance»: The US, Turkey, Israel and the War on Lebanon», *Global Research*, 2006/8/6, at:

<http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=2906>.

۴۱- واعظی، *راهبرد*، صص ۶۶-۶۷

۴۲- واعظی، *سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه*، ص ۵۰.

۴۳- ساران رینزفورد، «استقبال عنان از تصمیم ترکیه برای اعزام صلحبان»، *بی بی سی*، ۶/۹/۲۰۰۶، *بی بی سی*،

در:

http://www.bbc.co.uk/persian/worldnews/story/060906/09/2006_si-annan-turkey.shtml

44- Republic of Turkey Ministry of Foreign Affairs, *Op. Cit.*

45- *Ibid.*

46- Aras, *Op. Cit.*, P.3.

47-«Turkey, Russia See Hamas Role in Peace Process», *Todays Zaman*, 2010/5/12, at:

<http://www.todayszaman.com/news-210028-turkey-russia-see-hamas-role-in-peace-process.html>.

48-Hamas and Turkey», *Washington Times*, 2009/1/7, at:

<http://www.washingtontimes.com/news/2009/jan/07/hamas-and-turkey/>.

49- Aras, *Op. Cit.*, P.9.

۵۰- «درخواست عباس از حماس برای پذیرش طرح مصر»، *راديو فردا*، ۱۳۸۷/۱۰/۲۱، در:

http://www.radiofarda.com/content/f7_Abbas_Hamas_Egyptian_Plan/480239.html.

51-Khalaf Al Habtoor , Turkey feels Palestine's pain , *Alarabiya*, 2009/1/13 , at: http://www.alarabiya.net/save_pdf.php?cont_id=64168.

52-James Hider, Eagle is Grounded over Turks' Gaza Snub, *The Times*,

_____ نقش و جایگاه ترکیه در روند صلح خاورمیانه: با تاکید بر دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۲ ◇

2009/10/12, at: <http://www.timesonline.co.uk>.

۵۳- «عبدالله گل حمله اسرائیل را تروریسم دولتی خواند»، *تی آر تی*، ۳/۶/۲۰۱۰، در:

<http://www.trtpersian.com>.

Archive of SID